

# بررسی ابعاد ترور شهید قاسم سلیمانی از منظر مسئولیت بین‌المللی

منا غلامیان<sup>۱</sup> حسین فرحی<sup>۲</sup>

## چکیده

تروریسم، همواره یک تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی بوده و بدترین شکل آن زمانی رخ می‌دهد که فاجعه ترور توسط یک دولت مشخص پشتیبانی یا فرماندهی شود. در بحث «تروریسم مورد حمایت دولت»، مهم نیست که مسئولیت بین‌المللی دولت احرار و حتی جبران خسارت شود؛ بلکه مسئله اصلی نقض اصول ملل متحد و قواعد حقوق بشری است که با گذشت بیش از نیم قرن از تشکیل سازمان ملل متحد و ممنوعیت توسل به زور، برخی دولت‌ها (به خصوص از اعضای دایم شورای امنیت) مرتکب چنین نقض آشکاری شود. در جنایت ترور ناجوانمردانه عالیترین ژنرال نظامی ایران (سپهبد شهید قاسم سلیمانی) توسط دولت ایالات متحده آمریکا در خارج از قلمرو سرزمینی خود آنهم در زمان صلح، نقض تمامی اصول ملل متحد مندرج در منشور ملل متحد بود که علاوه بر مسئولیت بین‌المللی جنایت رخ داده؛ می‌توانست موجب یک جنگ تمام‌عیار در منطقه غرب آسیا شود. لذا در این مقاله سعی کردیم با روش کمی در گردآوری داده‌ها و روش کیفی در تجزیه و تحلیل آنها، ابعاد مسئولیت بین‌المللی ترور شهید قاسم سلیمانی و همچنین دفاع موشکی ایران را از حیث دفاع مشروع مورد بررسی قرار دهیم.

## کلیدواژگان:

حملات سایبری - فضای سایبری - حقوق مخاصمات مسلحانه - حقوق بین‌الملل بشردوستانه - خلاء اعمال قواعد

۱- کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل (نویسنده مسوول). [monagholamiyan1363@gmail.com](mailto:monagholamiyan1363@gmail.com)

۲- استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب - [farahihossein@yahoo.com](mailto:farahihossein@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹ نوع مقاله: پژوهشی (۷۴-۴۳).

— مقدمه

به رغم توسعه‌هایی که در حقوق بین‌الملل ایجاد شده و با وجود سازمان‌های بین‌المللی مختلف که مأموریت نهایی و غایی آنها ایجاد، حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی در جای جای دنیا است، تروریسم به صورت مستمر در حال گسترش بوده و به دغدغه مهم و در عین حال لاینحل بین‌المللی تبدیل شده است. پدیده تروریسم صرفاً مرزهای ناپیدای آن با جنبش‌های رهایی بخش ملی یکی نیست، بلکه به درجه بالای آسیب پذیری جامعه بین‌المللی در مقابل امواج نامشخص اقدامات تروریستی باز می‌گردد. همین بس که دولتی همانند ایالات متحده آمریکا که قلمرو اصلی خویش را از گزند دو جنگ جهانی ویرانگر محفوظ داشت، نتوانست خود را از حملات تروریستی سهمگین ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که برخی از بنیان‌های حقوق بین‌الملل را به لرزه درآورد، مصون بدارد. از آن زمان ۱۹ سال می‌گذرد و ظرف این مدت اسناد بین‌المللی مختلفی در مقابله با تروریسم تنظیم شده و نهادهای بین‌المللی متعددی همچون کمیته ضد تروریسم شورای امنیت پا به عرصه وجود نهاده‌اند. اما به‌رغم تنظیم و تصویب اسناد بین‌المللی منطقه‌ای و جهانی متعدد در مبارزه با تروریسم و انبوه قوانین جزایی ملی در این حوزه، تروریسم در افغانستان، عراق، سوریه و بسیاری از دیگر مناطق عالم در حال گسترش و نهادینه شدن است (زمانی، ۱۳۹۶: ۱۲۷).

البته؛ تروریسم پدیده نوظهوری نیست. بررسی تاریخ ملل، گواه این ادعاست که بهره‌برداری از جو رعب و وحشت ناشی از عملیات تروریستی همواره جزئی از سازوکارهای غیرانسانی و نسبتاً مؤثر بشر در ادوار گذشته بوده است. این سازوکار گاه ابزار تحکیم حکام ستمگر، گاه صدای اعتراض ستمدیگان آزادی خواه مستأصل و گاه نفیر شوم زیاده خواهان جنایت پیشه بوده است. در قیاس با تروریسم ملی، تاریخ تروریسم بین‌المللی به سده اخیر باز می‌گردد؛ جایی که با تسهیل ارتباطات فرامرزی دو نکته زمینه رشد تروریسم بین‌المللی را فراهم ساخت. نکته اول تجربه‌ای بود که به‌واسطه آن مخالفین مسلح دولت‌ها دریافتند با هدف‌گیری ارکان سایر دولت‌ها نظیر سران، وزراء، دیپلمات‌ها کنسول‌ها و اماکن دیپلماتیک

<sup>۱</sup> - پاراگراف فوق، دیباچه‌ای از دکتر سید قاسم زمانی بر کتاب «قربانیان تروریسم در حقوق بین‌الملل» تألیف مرتضی قهرمانی منامن می‌باشد.

و کنسولی، می‌توانند بر سیاست‌ها و تصمیم‌های دولت متبوع خود تأثیر گذاشته و به خواسته‌های خود نایل شوند (عبدالهی، ۱۳۸۸: ۱۹). در این میان؛ ملت‌هایی که قهرمانان ملی آنها، شهرت بین‌المللی کسب می‌کنند، بیشتر در معرض تهدید و ترور قرار دارند تا ملت آن سرزمین را دچار یأس و ناامیدی کنند. که در ترور ناجوانمردانه سپهبد شهید قاسم سلیمانی نیز همین خدعه به کار گرفته شد.

### – دکترین مسؤولیت حمایت

تاریخ روابط بین‌المللی، دورانی را به خود دیده است که در آن دولت حتی در شکل ابتدایی خود وجود نداشته و بیگانه‌پنداری افراد نسبت به یکدیگر موجب شده بود که چیزی به معنی روابط بین‌المللی در ذهن قابل تصور نباشد. اما پایان این دوران با آغاز فتوحات سرزمینی به دست حکمرانانی که در تلاش بودند بخشی از جهان را تحت سلطه خود درآوردند رقم خورد و ماهیتی مشابه دولت پا به عرصه وجود گذاشت. ویژگی خاص این دوره تاریخی در روابط بین‌الملل، ادعای حاکمیت مطلق در داخل و به رسمیت نشناختن سایر واحدها در خارج از مرزها است. در این شرایط، دولت‌ها خود را موجودیتی جهانی قلمداد می‌کردند و اصولاً جهان گشایی یکی از دایه‌های دولت‌ها در این دوره بود و بنابراین در اینجا هنوز چیزی به نام روابط بین‌المللی یا حقوق بین‌الملل دست یافتنی نیست (امیر ارجمند، ۱۳۸۵: ۱).

با تحولی که در اثر انعقاد معاهده وستفالی<sup>۱</sup> رخ داد دولت‌های ملوک الطوائفی جای خود را به دولت‌هایی دادند که در خارج از مرزهای خود قایل به تعهداتی در قبال سایرین بودند و بعد از این است که دولت از نقش فرمانروایی محض دست کشید و در محاسبات خود موجودیتی به نام ملت را نیز وارد کرد. متعاقب آن، رابطه یک سویه میان دولت و مردم که یک رابطه ارباب و رعیتی بود به‌نوعی رابطه حقوقی که هر یک در برابر دیگری حقوق و تعهداتی را می‌پذیرند تبدیل گردید و در نتیجه شناسایی سایر دولت‌ها و واحدهای ماورای یک مرز است که ضرورت همزیستی بین‌المللی پدیدار می‌شود و شاید نقطه

<sup>۱</sup> - عهدنامه وستفالی، معاهده‌ای است که پس از پایان جنگ‌های سی ساله مذهبی (۱۶۴۸-۱۶۱۸) میان کشورهای اروپایی منعقد شد. در این عهد نامه تمام کشورهای اروپایی بجز انگلستان و لهستان شرکت داشتند. بر اساس این پیمان؛ قریب ۳۵۰ واحد سیاسی آلمان استقلال یافتند. استقلال فرانسه، اسپانیا و پرتغال نیز مورد تایید قرار گرفت و مداخله پاپ رسماً در امور داخلی و خارجی آنها ممنوع اعلام گردید.

اتکای مستحکمی برای صیانت دولت‌ها از خود در برابر گزند سایر دولت‌ها باشد (وکیل، ۱۳۹۰: ۴۰۵). اما این رویه نیز نتوانست مانع جنگ‌های فراسرزمینی شده و جنگ‌های بسیاری میان کشورها از آن تاریخ رخ داده است تا جایی که دامنه این جنگ‌ها تبدیل به دو جنگ جهانی وحشتناک شد؛ اما پایان جنگ جهانی دوم نوید پایان خشونت‌ها به واسطه تشکیل سازمان ملل و منع توسل به زور بود. نقطه قوت حصول اتفاق نظر میان دولت‌ها در ضرورت اقدام برای حمایت از افراد انسانی، از یک سو به‌خاطر تحول مفهومی امنیت بوده که نگرانی برای امنیت دولت به نگرانی برای امنیت کل جمعیت گذر کرده و با این تحول، این فکر پدید آمده که دولت نباید تنها موضوع اصلی امنیت باشد بلکه نفع شهروندان و منافع کل بشریت نیز باید یک موضوع اصلی امنیت قلمداد گردد (همان منبع، ۱۳۹۰: ۴۰۹). بنابراین طرح نظریه مسؤلیت حمایت در سال ۲۰۰۱، پاسخی به ضعف نظام بین‌المللی در واکنش مناسب به ارتکاب نقض‌های عمده حقوق بشر در سرزمین‌هایی چون رواندا، بوسنی و کوزوو بود. این نظریه در تلاش برای باز تعریف مفهوم حاکمیت ملی و کارکرد دولت‌ها در قالب «حاکمیت به مثابه مسؤلیت» و طرح یک چارچوب مفهومی جدید برای واکنش به موقع و قاطع به اعمال خشونت‌بار، به سرعت توانست در مباحث بین‌المللی جایگاه خاصی یابد. اما به تدریج و همزمان با وقوع بحران‌های جدید انسانی به‌ویژه آنچه که در لیبی و سوریه رخ داد، آشکار شد که این نظریه علاوه بر ابهامات و پیچیدگی‌های مفهومی، در مرحله اجرا نیز با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است که ابهام در اجماع کشورها نسبت به تبدیل این نظریه به یک قاعده بین‌المللی، اختلاف نسبت به دامنه مصادیق تحت شمول و توجیه مداخله در کشورهای تحت پوشش مسؤلیت حمایت مهم‌ترین آنها محسوب می‌شوند (میرعباسی و محمدی، ۱۳۹۵: ۹).

دکترین مسؤلیت حمایت در حقوق بین‌الملل طی چندین سال اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این مفهوم به مقابله با نقض حقوق بنیادین انسان‌ها در قلمرو یک کشور و توسط دولت حاکم می‌پردازد. گرچه مسؤلیت اولیه حفظ حقوق شهروندان برعهده دولت متبوع آنهاست، اما در مواردی که

به علت اختلافات نژادی، قومی و مذهبی، دولت حاکم از انجام وظیفه ابتدایی خود اظهار ناتوانی یا بی‌میلی کند، این مسؤولیت به جامعه بین‌المللی نیز منتقل خواهد شد (عرب اسدی، ۱۳۹۰: ۴۴).  
 برایان اورند، استدلال می‌کند که حق دولت بر حاکمیت، به تأمین حقوق بشر شهروندانش بستگی دارد، لذا دولتی که به‌طور حداقلی نسبت به شهروندانش عادل نیست اساس اخلاقی خود در حقوق بین‌الملل را از دست می‌دهد (Davenport, 2011: 521). مسؤولیت حمایت دارای سه عنصر مهم است که عبارتند از: مسؤولیت‌های بازدارندگی، واکنش و بازسازی. بازدارندگی در این میان عنصر برتر می‌باشد و تمامی راه‌های بازدارندگی باید قبل از بکارگیری راهبرد نظامی بکار گرفته شوند (نیکنام، ۱۳۹۵: ۱۳).

### – نظریه خطر یا مسؤولیت عینی

این نظریه که جزء نظریه مسؤولیت‌های بدون تقصیر به حساب می‌آید و از لحاظ تاریخی بر نظریه تقصیر تقدم زمانی نیز دارد، بیان می‌دارد که هر کس به فعالیت‌های پرخطر و محیط خطرناکی برای دیگران به وجود می‌آورد باید زیان‌های ناشی از آن را نیز جبران نماید. شعار طرفداران نظریه خطر این بود: «هر کس که سودکاری را می‌برد، زیان‌های آن را نیز باید تحمل کند». در این دیدگاه آنچه اهمیت دارد، درست یا نادرست بودن فعل باعث ضرر نیست، بلکه انتساب ضرر به فعل خوانده است. توجه به اصل حاکمیت دولت‌ها و خودمختاری آنها از یک سو و فقدان رکن اجرایی مؤثر در حقوق بین‌الملل از طرف دیگر، حقوق‌دانان را به این فکر واداشت که چون نظریه سنتی خطا در نظام حقوق بین‌الملل کارایی ندارد باید مسؤولیت بین‌المللی دولت بر مبنایی دیگر استوار شود در نتیجه نظریه جدیدی شکل گرفت تحت عنوان نظریه خطر که خطا و سهل‌انگاری در آن نقشی ندارد (رستمی و بهادری، ۱۳۸۸: ۷۱).

بنابراین طبق این اصل هر گونه تخلف و قصور نسبت به یک قاعده حقوق بین‌الملل اعم از معاهداتی و عرفی موجب مسؤولیت بین‌المللی دولت می‌شود و بایستی خسارات وارده را جبران نماید خواه متضمن عنصر خطا باشد یا نباشد (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۸۴: ۴۷۲ – ۴۷۱). به عبارت دیگر می‌توان گفت طبق نظریه ریسک، مسؤولیت هر کشور یک ویژگی کاملاً عینی دارد که متکی بر ضمانت است و تقصیر هیچ

نقشی در آن ندارد و به محض اینکه میان فعالیت کشور و عمل مغایر با حقوق بین‌الملل رابطه علیت برقرار شود مسؤلیت کشور نیز مطرح می‌شود (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱). در طرح مواد مربوط به مسؤلیت دولت‌ها (۲۰۰۱) کمیسیون حقوق بین‌الملل از به کار بردن دو لفظ خطا و خطر خودداری کرده است ولی می‌توان گفت که با استناد به ماده ۲ و سیاق تمامی موارد این طرح به نظریه خطر تمایل بیشتری نشان داده است (فقیه‌حبیبی، ۱۳۹۵: ۱۰۹).

نظریه خطر بر مبنای حقیقی مسؤلیت بین‌المللی که همان تضمین امنیت روابط بین‌المللی است، هماهنگی بیشتری دارد و نیز مهم‌ترین فایده این نظریه این است که با حذف تقصیر از زمره ارکان مسؤلیت مدنی دعاوی جبران خسارت آسان‌تر به مقصود می‌دهد و زبان دیده از اثبات تقصیر خواننده معاف می‌شود اما ایراد نظریه خطر این است که با تضمین مطلق که به متقاضی می‌دهد، از واقعیت بسیار فاصله دارد و با رویه عملی بین‌المللی چندان منطبق نیست زیرا امروزه هنوز مکتب اصالت فرد و در نتیجه نظریه خطا یا تقصیر حاکم است (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۸۴: ۴۱۴).

نظریه خطر، استناد حقوقی نیز دارد، که در ماده ۵۱ منشور به آن پرداخته شده است؛ وقتی دولت یا قلمرو سرزمینی توسط یک دولت متخاصم یا گروهک مسلح تهدید می‌شود، طبیعی است که واکنش متقابل به آن یک امر ضروری خواهد بود که در ترور شهید قاسم سلیمانی، کشور ایران رسماً توسط ایالات متحده آمریکا در خاک عراق تهدید شد.

### – مفهوم تروریسم در حقوق بین‌الملل

برخلاف حقوق داخلی، در حقوق بین‌الملل، بنابر قاعده، باید بحث از تروریسم بین‌المللی باشد، همان‌گونه که برخی خواسته‌اند از تروریسم بین‌المللی، تعریف مستقلی ارائه نمایند، ولی در موضوع تروریسم نیز مانند هر جرم دیگری، آنگاه که پای بیش از یک کشور به میان بیاید (به این معنی که مجرم، قربانی جرم و محل وقوع جرم هر سه از یک کشور نباشند) جنبه بین‌المللی پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، بین‌المللی بودن تروریسم، در ماهیت آن تغییری ایجاد نمی‌کند، اگرچه آثار حقوقی متفاوتی

از نظر آیین دادرسی، به‌ویژه صلاحیت دادگاه و استرداد مجرم خواهد داشت (وجدانی اسگویی، ۱۳۹۹: ۱۸).

البته حالتی از تروریسم نیز وجود دارد که در آن گروهی از افراد به ویژه اقلیت‌ها و در مجموع ناراضیان سیاسی در قلمرو یک کشور به حملات تروریستی مبادرت می‌کنند. این‌گونه عملیات‌های تروریستی اغلب بعد از انقلاب‌ها یا تغییرات گسترده نظام‌های سیاسی به وجود می‌آید. در چنین شرایطی این نوع حملات و انفجارهای نظامی در چهارچوب حقوق بشر دوستانه قرار نمی‌گیرند و دولت قربانی با اجرای قوانین حقوق کیفری با عاملان آن برخورد می‌کند، مانند گروه تروریستی «سازمان مجاهدین خلق» در ایران، حملات تروریستی «ارتش سرخ ایرلند» در ایرلند شمالی و «اتا» در فرانسه و اسپانیا (قهرمانی منامن، ۱۳۹۷: ۳۹). اما در عصر جدید برخی اقدامات تروریستی دولتی نیز در حال ظهور می‌باشد که ارتش یک دولت در سرزمین دولت دیگر اقدام به ترور شخصیت‌های نظامی و سیاسی دیگر دولت‌ها می‌کنند. همچون ترور سپهبد شهید قاسم سلیمانی در کشور عراق توسط دولت آمریکا.

لذا باید گفت که تروریسم در حقوق بین‌الملل از این جهت محکوم است که اولاً تعریف دقیق و مشخصی از تروریسم در حقوق بین‌الملل وجود نداشته و دوم تمامی اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها و بیانیه‌های بین‌المللی همگی این عمل خشونت‌بار را محکوم کرده‌اند؛ لذا تروریسم همانند قاعده آمره همچون منع برده داری و قاچاق انسان؛ یک جنایت بین‌المللی محسوب می‌شود.

#### – تروریسم دولتی (تروریسم مورد حمایت دولت)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد را باید مبدع نظریه تروریسم دولتی دانست. در واقع اولین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص تروریسم<sup>۱</sup> که در سال ۱۹۷۲ به تصویب رسید تحت تأثیر نهضت استعمارزدایی موجود در دهه هفتاد، اعمال سرکوب گرایانه دولت‌های استعمارگر و نژاد پرست و بیگانه را به‌عنوان عمل تروریستی در نظر گرفته است. به موجب این قطعنامه: استمرار

<sup>1</sup> - G.A, Res.3034 ( XXVII), 18 Dec 1972. Para: 4.

اقدامات سرکوب‌گرانه و تروریستی نظام‌های استعماری، نژاد پرست و بیگانه در انکار حق مشروع مردم بر تعیین سرنوشت، استقلال، دیگر حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین آن‌ها را محکوم می‌کند.

گرچه در قطعنامه‌های بعدی مجمع این امر تا حدودی با تبیین و تفکیک مشروعیت نهضت‌های رهایی بخش اصلاح شد ولی در سال ۱۹۹۴ در قطعنامه امحای تروریسم بین‌المللی با گنجاندن عبارت «کیفری و غیر قابل توجیه بودن تروریسم توسط هر کس که انجام شده باشد» دوباره جای این تردید باقی ماند که آیا در نظر مجمع عمومی همچنان تروریسم دولتی دارای مفهوم است یا نه! این وضعیت در خصوص کنوانسیون در حال مذاکره ملل متحد در خصوص تعریف جامع تروریسم نیز ادامه دارد. در کمیته ویژه مجمع عمومی طراحان این کنوانسیون در مقدمه آن با گنجاندن عبارت اعلامیه سال ۱۹۹۴ عملاً مباحث مربوط به تروریسم دولتی را استمرار داده‌اند.

از منظر حقوق بین‌الملل برای اینکه دولتی را دولت پشتیبان تروریسم بدانیم باید بتوان مطابق مواد ۸ و ۱۱ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل عمل تروریست‌ها را عمل دولت، و به عبارت دیگر تروریست‌ها را نماینده عملی دولت در نظر گرفت. در غیر این صورت یعنی در صورتی که حمایت‌های دولت مشهود باشد اما اسناد و مدارکی کافی برای اثبات رابطه نمایندگی وجود نداشته باشد؛ مانند وضعیتی که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه اعلام نمود؛ می‌توان به جای عبارت پشتیبانی دولت از تروریسم از تعبیر حمایت دولت از تروریسم مستلزم بررسی هر قضیه در شرایط خاص خود می‌باشد. که در این راستا توجه به سه وضعیت ضروری به نظر می‌رسد.

الف) وضعیتی که در آن دولتی فعالانه از تروریسم بین‌المللی حمایت می‌کند؛ ب) وضعیتی که در آن وظیفه خود مبنی بر جلوگیری از تروریسم را نادیده می‌گیرد؛ پ) وضعیتی که در آن دولتی وظیفه مجازات یا استرداد را نسبت به افراد مظنون و متهم به ارتکاب جرایم تروریستی نادیده نمی‌گیرد.

در مورد پشتیبانی دولت از تروریسم نیز باید تأکید کرد که این مفهوم هم شامل فعل و هم شامل ترک فعل است. آموزش، تأمین منابع مالی و حمایت، از مثال‌های پشتیبانی از نوع انجام فعل و تحمل حضور گروه‌های تروریست در سرزمین و عدم ممانعت از فعالیت‌های تروریستی از مصادیق پشتیبانی از

نوع ترک فعل می‌باشد. چرا که دولت‌ها مطابق قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت موظف به عدم حمایت فعال و منفعل از تروریست‌ها هستند. به هر حال صرف‌نظر از این که وضعیت را پشتیبانی یا حمایت توصیف کنیم در کلیه این وضعیت‌ها مطابق طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت بر نقض یک تعهد بین‌المللی از پیش مستقر مبتنی خواهد بود که در صورت انتساب درست آن به دولت مورد نظر، تکلیف به جبران خسارت مقتضی را به دنبال خواهد داشت.

اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل راجع به روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها مطابق با منشور ملل متحد دارای مقررات مفصل‌تری است که به موجب بندهای ۱۰ و ۱۱ اعلامیه: «هر دولتی مکلف است از سازماندهی کردن، تشویق به سازماندهی نیروهای شبه نظامی یا دسته‌های نظامی شامل مزدوران، برای ایجاد آشوب در سرزمین کشور دیگر خودداری ورزد؛ همچنین هر دولتی مکلف است از سازماندهی کردن، تحریک، کمک یا مشارکت در فعالیت‌های آشوب‌طلبانه شهری یا فعالیت‌های تروریستی در کشور دیگر امتناع کرده و اجازه استفاده از سرزمینش را برای فعالیت‌های سازمان یافته‌ای که مشتمل بر تهدید یا توسل به زور علیه کشور دیگری است ندهد».

علاوه بر این مقررات، طرح مسئولیت دولت که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تدوین شده است دارای مقررات مفصلی در زمینه قابلیت انتساب اعمال غیرقانونی افراد و گروه‌ها به دولت‌ها می‌باشد که حسب مورد قابل استناد است. چرا که مقررات این طرح به‌ویژه در زمینه قابلیت انتساب دارای ویژگی عرفی می‌باشد. شناسائی مصادیق تروریسم دولتی به‌عنوان فعل متخلفانه بین‌المللی منتهی به مسئولیت بین‌المللی، یکی از دلایل رد مفهوم تروریسم دولتی است. در کنار این استدلال، کیفری بودن اعمال تروریستی از دیگر استدلالات موجود می‌باشد که به موجب آن دولت‌ها نمی‌توانند مرتکب جرم تروریسم در نظر گرفته شوند؛ چرا که تروریسم یک جرم کیفری بوده و دولت‌ها موضوع حقوق بین‌الملل کیفری نیستند (عبداللهی، ۱۳۸۸: ۴۹ - ۴۸). اما اینکه مسئولیت بین‌المللی ترور قابل انتساب است یا خیر و چگونه منجر به جبران خسارت خواهد بود جای بحث می‌باشد.

در نگاهی دیگر؛ یکی از عوامل مؤثر در رشد تروریسم، دخالت دولت‌ها در امر تروریسم است که به آشکال گوناگونی صورت می‌گیرد. پس از فروپاشی شوروی و برهم خوردن موازنه سیاسی در دنیا، گاه تروریسم از جانب دولت‌هایی برای پیشبرد اهداف سیاسی یا برای احقاق حقوق خود که بدون پشتوانه باقی مانده، صورت می‌گیرد. در این زمینه گاهی دولت‌ها به صورت مستقیم در امر تروریسم دخالت می‌کنند که به آن، تروریسم دولتی گفته می‌شود (آزمایش، ۱۳۸۰: ۱۷۰). اما در حادثه ترور شهید سلیمانی، دولت ایالات متحده آمریکا رسماً طی عملیات نظامی اقدام به ترور ژنرال نظامی ایران کرد که در گفتار بعدی به آن خواهیم پرداخت.

### – زمینه ترور شهید قاسم سلیمانی در عراق

کتاب حزب‌الله عراق یک گروه شیعه است که اعضای آن مقلد حضرت امام خمینی (ره) و محمد باقر صدر هستند که در سال ۲۰۰۳ توسط نیروی قدس سپاه پاسداران ایران تأسیس شد. این گروه مخالف حضور نیروهای آمریکایی در عراق هستند و بعد از سقوط صدام حسین اولین عملیات خود علیه نیروهای آمریکایی را در ۲۳ اکتبر سال ۲۰۰۳ در منطقه بلدیات شهر بغداد انجام دادند. سازماندهی این گروه مخفی بود؛ ولی شهید ابومهدی مهندس، مشاور اسبق نیروی قدس ایران و از اعضای سابق سازمان بدر به‌عنوان رئیس این گروه شناخته می‌شد که در جریان ترور سپهبد شهید قاسم سلیمانی (۲۰۲۰)، وی نیز شهید شد. این گروه از نیروی قدس ایران آموزش و کمک‌های مالی دریافت می‌کند. دولت آمریکا حزب‌الله لبنان را متهم می‌کند که سلاح‌ها و آموزش‌های این گروه را تأمین می‌کند. این گروه در سال ۲۰۰۷ با تهاجم علیه نیروهای ائتلاف آمریکا شناخته شد و با گذاشتن فیلم تهاجمات خود علیه نیروهای آمریکایی در فضای مجازی بیشتر شناخته شد (زند، ۱۳۹۹: ۱۰۸).

در تابستان سال ۲۰۰۸ نیروهای آمریکایی و عراقی سخت‌گیری بیشتری را علیه کتاب حزب‌الله و گروه‌های ویژه انجام دادند. حداقل ۳۰ عضو این گروه در آن ماه‌ها دستگیر شد. بسیاری از سران گروه‌ها دستگیر و مقامات رسمی آمریکا اظهار کردند که در نتیجه این سخت‌گیری بسیاری از فرماندهان آن‌ها به ایران فرار کردند. در ۲ ژوئیه ۲۰۰۹ این گروه به لیست سازمان‌های تروریستی آمریکا افزوده شد. این

گروه مسؤول بسیاری از بمب‌های کنترل از راه دور کنار جاده‌ای، خمپاره، موشک و تهاجمات با آر.پی.جی و همچنین عملیات‌های تک تیراندازی علیه نیروهای آمریکایی و عراقی بوده و همچنین مسؤول عملیات تهاجم راکت به منطقه سبز در نوامبر ۲۰۰۸ که منجر به کشته شدن دو کارمند سازمان ملل شد، می‌باشد.

در دسامبر ۲۰۱۰ مقامات نظامی آمریکایی گفتند، در روستایی در نزدیکی مرز ایران در ۲۵۶ کیلومتری (۱۶۵ مایل) جنوب شرق بغداد یک درگیری با اعضای گروه کتائب حزب‌الله داشته‌اند. در این درگیری ۱۲ نفر دستگیر شدند. نیروهای نظامی طی بیانیه‌ای اعلام کردند: نیروهای مشترک امنیتی از ساختمان‌های متفرقه شهری مورد تیراندازی قرار گرفتند. مقامات رسمی عراقی اعلام کردند که بسیاری از کشته شدگان از افراد بی‌گناه بودند و خواستار جبران خسارات وارده شدند (زندى، ۱۳۹۹: ۱۰۹).

«آمریکایی‌ها در عراق، در پی تجاوز نظامی سال ۲۰۰۳ و بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد وارد این کشور شده و تاکنون به بهانه‌های مختلف از جمله توافقنامه امنیتی میان دو کشور عراق و آمریکا از این کشور خارج نشده‌اند. توافقنامه امنیتی‌ای که در سال ۲۰۰۸ امضا گردیده و بر اساس آن نیروهای آمریکا باید تا ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۱ از خاک عراق خارج می‌شدند ولی به بهانه مبارزه با گروه تروریستی داعش و البته درخواست عراق، در این کشور ماندگار شده‌اند. توافقنامه‌ای که به موجب آن، آمریکایی‌ها می‌بایست تمامی تحرکات نظامی خود در خاک عراق را با هماهنگی دولت مرکزی انجام دهند؛ اما در کمال تعجب و درنهایت تخاصم و البته برخلاف توافقنامه، به مواضع و محل رفت‌وآمد نیروی نظامی رسمی عراق (حشد الشعبی) حمله کرده و حاکمیت و امنیت عراق را نقض نموده است. اقدامی که نقض آشکار توافقنامه امنیتی میان دو کشور تلقی می‌شود چراکه در هیچ موردی از آن دیده نمی‌شود که آمریکایی‌ها مجوزی برای اقدام نظامی علیه حاکمیت و امنیت ملی عراق و نیروهای نظامی این کشور داشته باشند و بتوانند دست به اقدامات خودسرانه نظامی در این کشور بزنند.

حملات آمریکا علیه نیروهای نظامی حشد شعبی که نیروی نظامی کاملاً رسمی در عراق محسوب می‌گردند و تحت امر فرمانده کل نیروهای مسلح این کشور می‌باشند، علاوه بر نقض آشکار توافقنامه

امنیتی امضاشده میان دو کشور، نقض اصل عدم توسل به‌زور به‌عنوان قاعده‌ی آمره بین‌المللی نیز محسوب می‌گردد. منشور ملل متحد، سه استثنا را بر منع مطلق توسل به‌زور شناسایی کرده است که عبارت‌اند از ۱. اقدام نظامی بر اساس نظام امنیت جمعی (ماده ۴۳) ۲. دفاع مشروع (ماده ۵۱) ۳. رضایت بر تهدید و کاربرد زور؛ و از آنجا که حمله پهباد آمریکایی به سردار شهید سلیمانی و ابو مهدی مهندس و همراهانشان، در چارچوب هیچ‌کدام از استثنائات ذکرشده قرار نمی‌گیرد. لذا این اقدام به‌روشنی در تضاد آشکار با این اصل مهم و اساسی منشور یعنی منع توسل به‌زور دولت‌ها قرار می‌گیرد، موضوعی که در نظام حقوق بین‌الملل اکیداً ممنوع است» (<http://css.ir/fa/content/115001>).

مع‌الوصف «پیرو اعتراضات گسترده اخیر مردم عراق به وضعیت نامطلوب معیشتی خود که با دخالت قدرت‌های خارجی به اعتراض علیه سیاست خارجی عراق نیز تسری یافت ابتدا در ۴ نوامبر و سپس در ۲۷ نوامبر سال ۲۰۱۹ به ترتیب کنسولگری‌های ایران در کربلا و نجف هدف یورش برخی از عراقی‌های مخالف حضور ایران در عراق قرار گرفت. در حالی که حمله اول با دخالت بهنگام پلیس دفع شد در حمله دوم ساختمان کنسولگری ایران در نجف به آتش کشیده شد اما خوشبختانه آسیب جانی به همراه نداشت. در این میان، دولت آمریکا به روشنی با اقدامی مداخله‌جویانه از معترضین عراقی حمایت کرده و آنها را برای اخراج ایران از عراق تشویق می‌کرد. برای مثال آقای ترامپ در توییت ۳۱ دسامبر خود به صراحت «به میلیون‌ها مردمی که در عراق خواهان آزادی بوده و نمی‌خواهند تحت سلطه و کنترل ایران باشند [نوشت] اکنون نوبت شماست».

پس از حمله به کنسولگری‌های ایران دو حادثه به وخامت روابط دو کشور در عراق افزود. ابتدا حمله راکتی ناشناس ۲۷ دسامبر ۲۰۱۹ به پایگاه نظامی «K۱» آمریکا در نزدیکی شهر کرکوک در شمال عراق که به مجروح شدن چند سرباز آمریکایی و کشته شدن یک پیمانکار عراقی منتهی شد. دولت آمریکا گروه کتائب حزب‌الله از گروه‌های نزدیک به ایران را مسوول حادثه معرفی کرد و در ۲۹ دسامبر جنگنده‌های ارتش این کشور چند مقر گردان‌های حزب‌الله مرتبط با سازمان الحشد الشعبی عراق را در مرز سوریه بمباران کردند. منابع الحشد الشعبی اعلام کردند که در این حمله هوایی، دست‌کم ۲۸ نفر

از نیروهای الحشد الشعبی از جمله یکی از فرماندهان آن و دو معاون وی و معاون منابع فرمانده تیپ ۴۵ شهید و ۵۱ نفر دیگر مجروح شدند. پیرو این حمله بود که برخی از اعضا و طرفداران خشمگین حشدالشعبی در ۳۱ دسامبر پس از تشییع جنازه شهدای حملات آمریکا، به سمت سفارت این کشور در منطقه سبز بغداد حرکت کرده و بخش‌هایی از دیوار خارجی سفارتخانه را به آتش کشیده و وارد آن شدند و در ساختمان سفارت تحصن کردند. مهم‌ترین خواسته متحصنین اخراج آمریکا از عراق بود. در این حمله به هیچ دیپلمات آمریکایی آسیب نرسید. با اینکه هیچگاه ایران حمله به سفارت را تایید نکرد اما دونالد ترامپ رییس‌جمهور آمریکا در توئییت تبریک سال نو میلادی خود در بامداد اول ژانویه ۲۰۲۰ بدون ارایه دلایل قابل پذیرش، ایران را مسوول حمله به سفارت آن کشور در عراق معرفی کرد: «ایران برای تلفات جانی، یا خسارات وارده در هر یک از اماکن ما، مسوولیت خواهد داشت. آنها بهای بسیار گزافی را خواهند پرداخت! این یک هشدار نیست، یک تهدید است. سال نو مبارک!». دو روز بعد از این توئییت بود که در بامداد سوم ژانویه خودروهای حامل سپهبد قاسم سلیمانی رییس سپاه قدس انقلاب اسلامی به همراه ۱۰ تن از همراهان ایرانی (۵ ایرانی) و عراقی (۵ عراقی) از جمله ابومهدی المهندس معاون نیروهای حشدالشعبی و سخنگوی این گروه که به دعوت دولت عراق به آن کشور سفر کرده بودند، مورد هدف یگان پهپادی نیروهای آمریکایی مستقر در عراق قرار گرفت که منجر به شهادت تمامی این کاروان شد» (عبداللهی، ۱۳۹۸: ش ۴۵۵۴).

وزیر خارجه ایران بلافاصله این حملات را مصداق بارز تروریسم دولتی خوانده و آنها را محکوم کرد. و مسوولیت هرگونه عواقب بعدی را برعهده دولت آمریکا دانست. ساعاتی بعد رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران با محکومیت اعمال تروریستی آمریکا وعده انتقامی سخت از عاملین و جنایتکاران این جنایت هولناک را به مردم ایران و منطقه دادند. دولت عراق نیز به عنوان دولت محل وقوع حادثه که تنی چند از فرماندهان عالی‌رتبه نیروهای مسلح خود را در این عملیات تروریستی از دست داده بود این حادثه را

<sup>1</sup> - <https://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/140344>.

قوبا محکوم کرد. عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر عراق این حملات را در حد اعلام جنگ علیه عراق دانست و آن را تجاوز به حاکمیت عراق و نقض معاهدات بین‌المللی توصیف کرد.

در مقابل کاخ سفید نیز به فاصله کوتاهی از این حمله، طی بیانیه‌ای به صراحت مسوولیت حمله را پذیرفته و آن را «دفاعی قاطع به منظور ارباب ایرانیان برای حملات آتی» دانست. توییت‌های بعدی ترامپ نیز به صراحت موید قصد قبلی و اصرار امریکا به حذف سردار سلیمانی بود. ترامپ در آخرین توییت خود ضمن مسوول دانستن سردار قاسم سلیمانی برای مرگ سربازان امریکایی و میلیون‌ها انسان بی‌گناه نوشت که: «او باید سال‌ها پیش از این حذف می‌شد».

### – نحوه انتساب اقدامات تروریستی به دولت

حقوق بین‌الملل وضعیت‌هایی را پیش‌بینی کرده که یک دولت در قبال اعمال و رفتار خشونت‌آمیز اشخاص مسوولیت دارد که قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ همان حمله‌ی القاعده به برج‌های دوقلو، در طرح مواد؛ شناسایی، هدایت و کنترل اعمال اشخاص خصوصی یا حقیقی زمینه انتساب عمل آنان به دولت محسوب می‌شد ولی حمایت کردن و پناه دادن به تروریست‌ها بعد از ۱۱ سپتامبر مطرح شد. جورج بوش، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، در تاریخ ۲۰۰۱/۰۹/۱۱ بیان کرد که ایالات متحده بین تروریست‌هایی که چنین اعمال خشونت‌آمیزی را انجام داده‌اند و دولت‌هایی که به آنها پناه داده‌اند تفاوتی قایل نیست. بعد از ۱۱ سپتامبر تغییر ماهیت و مواضع مسوولیت دولت اشاره به مسوولیت مستقیم دولت‌ها در قبال اشخاص خصوصی دارد و ایالات متحده، رژیم طالبان افغانستان را به‌طور مستقیم به خاطر حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر مسوول دانست. بنابراین پس از روی کار آمدن دولت بوش در آمریکا، وی دکترینی را به‌عنوان راهبرد خود انتخاب کرد که در برگیرنده چهار مؤلفه اصلی است که یکی از آنها جنگ با تروریسم بود.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد به لحاظ سنتی و تاریخی، اقدامات و اعمال کنشگران غیر دولتی در صورتی به دولت منتسب می‌شود که به‌طور رسمی یا عملی ارگان آن دولت محسوب می‌شوند به عبارتی یا نماینده آن دولت باشد و تحت کنترل و هدایت دولت عمل کنند یا این که دولت مذکور اقدامات آنان

را به صراحت تایید کنند و به‌عنوان عمل خود بپذیرند (میرعباسی و زوار جلالی، ۱۳۹۵: ۲۴۷). که قبل از ۱۱ سپتامبر، مسؤولیت دولت‌ها در این خصوص مسؤولیت غیر مستقیم تلقی می‌شد. اگر دولتی، گروه‌های مسلح خصوصی را برای انجام اعمال خشونت‌آمیز علیه دولت‌های دیگر استخدام کند، دولت استخدام کننده مسؤول عمل گروه خواهد بود. به‌عبارت دیگر اقتدار حکومتی را به آنان تفویض کند و اشخاص حقیقی رکن دولت نباشد ولی به صورت غیر رسمی کارگزار دولت باشند در چنین وضعیتی ماده ۵ طرح مورد استفاده قرار می‌گیرد (حلمی، ۱۳۹۵: ۶۶).

حال چنانچه تروریست‌ها در استخدام رسمی و در رده‌بندی نظامی آن دولت باشند در این صورت مطابق ماده ۴ اعمال آنها به دولت مذکور منتسب خواهد شد و دولت بابت اقدامات آنها مسؤولیت دارد و در حالتی دیگر ممکن است تروریست‌ها در استخدام رسمی دولت نباشد اما روابط و پیوند آنها به قدری نزدیک است که تشخیص آنها دشوار است و در واقع آنها عملاً جز ارگان آن دولت محسوب می‌شوند در این حالت نیز اعمال آنها منتسب به دولت خواهد بود (همان‌منبع، ۱۳۹۵: ۲۴۷). طبق ماده ۸ طرح اقدامات اشخاص خصوصی عمل دولت تلقی می‌شود اگر به دستور دولت یا تحت هدایت و کنترل دولت باشد. طبق گزارشات دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه که تصریح می‌کند ایالات متحده بابت «برنامه ریزی، راهنمایی و حمایت» مسؤولیت داشته اما در نهایت کلیه اقدامات آنها را منتسب به ایالات متحده ندانست (راعی، ۱۳۸۸: ۱۵۳).

### – مسؤولیت بین‌المللی دولت در حمایت از تروریسم

اگر چه در گذشته مسؤولیت مدنی از مباحث فرعی حقوق مدنی به شمار می‌آمد؛ امروزه از نظر علمی و نظری مهم‌ترین بخش تعهدات به حساب می‌آید. به‌طوری‌که یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به مسؤولیت مدنی تعیین ماهیت و مبنای مسؤولیت در راستای جبران خسارت وارده به زیان دیده است. وقتی دولتی به دولت دیگر تخطی می‌کند و باعث ورود خسارت به آن می‌شود به لحاظ بین‌المللی مسؤول خسارت وارده است و لازم است تمام خسارات وارده را جبران کند به‌عبارتی می‌توان گفت هر دولت مسؤول نقض تعهدات خود است و تحت شرایطی خاص از مسؤولیت میرا می‌شود (آذری آغاچری،

۱۳۸۸: ۱۱۶۷) بنابراین می‌توان گفت تعهد به جبران خسارت محتوای اصلی مسؤلیت بین‌المللی است و ضامن اجرای حقوق است و در حقوق بین‌الملل به دنبال نقض هر قاعده‌ای مسؤلیت بین‌المللی ایجاد می‌شود و هرگونه تعهد حقوقی که از طرف تابعان حقوق بین‌الملل نادیده گرفته شود مسؤلیت بین‌المللی آنها را به دنبال دارد.

در خصوص مباشرت، معاونت یا شراکت دولت‌ها در اعمال تروریستی هم، چون تخطی از قوانین عرفی و قراردادی در آن مستتر است دولت‌ها مسؤول اقدامات خود و جبران خسارات و صدمات مادی و معنوی وارده خواهند بود. به‌طور کلی آن چه که از مفهوم پشتیبانی دولت از تروریسم فهمیده می‌شود محدود به وضعیت‌هایی است که دولتی عملیات تروریستی را برنامه ریزی، هدایت و کنترل می‌کند. در حالی که مفهوم حمایت دولت از تروریسم شامل کلیه مواردی از حمایت می‌شود که پایین‌تر از پشتیبانی هستند. به هر حال باید بر این نکته تاکید کرد که بسیاری از اعضای «کمیته پاسخ به دولت پشتیبان تروریسم»<sup>۱</sup> که توسط جامعه آمریکایی حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۸۶ تاسیس شده، عدم رضایت خود را از این مفاهیم به واسطه فقدان دقت حقوقی آن‌ها اعلام نموده‌اند (Malzahn, 2002: 96).

مداخله دولت در اقدامات تروریستی امکان دارد اشکال مختلفی داشته باشد. ممکن است دولت گروه تروریستی را کنترل و هدایت کند یا حمایت اقتصادی، اطلاعاتی، نظامی یا ایدئولوژیک نماید. حتی ممکن است دولت بدون هیچ کمک و کنترلی بر گروه تروریستی فقط آن را تحمل کند و نسبت به اقداماتش بی‌تفاوت باشد. گاهی دولت اراده و گاهی توان ظرفیت مقابله با گروه تروریستی را ندارد و گاهی هم برای مقابله با اقدامات تروریستی تلاش کافی نمی‌کند. هر یک از این اشکال در قالب مسؤلیت دولت‌ها قابل بررسی می‌باشد.

### – بررسی واقعه ترور شهید سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل

قواعد حقوقی حاکم بر «کشتن» در حقوق بین‌الملل حسب ظرف زمانی متفاوت است. به دیگر سخن، حقوق بین‌الملل در زمان جنگ، کشتن فرماندهان و سربازان دشمن را در چارچوبی قانونی مجاز می‌داند. درحالی که در دوران صلح به هیچ‌وجه چنین مجوزی وجود ندارد. در دوران صلح یا نبود مخاصمه

مسلحانه، نظام بین‌المللی حقوق بشر در دو حالت کاملاً استثنایی، سلب حیات را از سوی دولت قابل توجیه دانسته است: یک، صدور مجازات اعدام برای شدیدترین جنایت‌ها با رعایت آیین دادرسی عادلانه و دو، شلیک از سوی پلیس به منظور دفاع مشروع از جان خود یا آحاد جامعه. در صورت اخیر هرگونه توسل به سلاح آتشین از سوی پلیس باید «ضرورت داشته و متناسب باشد». به این ترتیب باید به این سوال جواب داد که حمله به کاروان حامل سردار سلیمانی در چه ظرف زمانی رخ داده است؟ (عبدالهی، ۱۳۹۸: ش ۴۵۵۴).<sup>۱</sup>

در پاسخ به این سوال باید تصریح کرد که هرچند روابط ایران و ایالات متحده آمریکا در سردترین وضع خود بعد از انقلاب اسلامی قرار دارد اما از نظر حقوقی هیچ «درگیری مسلحانه‌ای» در زمان حمله آمریکا بین این کشور و ایران وجود نداشته است. همین وضعیت میان آمریکا و دولت عراق صادق است. بنابراین هدف قراردادن فرماندهان نظامی ایران و عراق را به هیچ‌وجه نمی‌توان به عنوان «هدف و اقدام مشروع نظامی» توصیف و توجیه کرد.

دولت آمریکا در بیانیه مغشوش خود بی‌آنکه به صراحت به دکترین‌های «دفاع مشروع پیشگیرانه یا پیش‌دستانه» استناد کند به‌طور ضمنی سعی بر القاء این ادعا داشته است که سردار سلیمانی علاوه بر دست داشتن در حمله ۲۷ دسامبر به مقر نیروهای آمریکایی و تایید حمله به سفارت آمریکا به دنبال انجام حملات بیشتر علیه نیروهای آمریکایی در عراق بوده است و حمله به او در قالب دفاع مشروع پیشگیرانه ضرورت داشته است. این ادعا به وضوح در آخرین توییت ترامپ در این خصوص آشکار است. وی مدعی شده که «قاسم سلیمانی هزاران سرباز آمریکایی را یک دوره بلند زمانی کشته یا به سختی مجروح ساخته و برای کشتن شمار بیشتر نیز توطئه می‌کرده است...».

در تحلیل این ادعا باید تصریح کرد که اولاً به موجب ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد و رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، دفاع مشروع باید در پاسخ به «حمله‌ای مسلحانه» باشد که در قضیه مورد بحث وجود ندارد. دکترین دفاع مشروع پیشگیرانه دکترین مغایر با منشور ملل متحد است که آمریکا در حمله

<sup>1</sup> - <https://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/140344>.

سال ۲۰۰۳ خود به عراق بخت خود را با استناد به آن در جامعه بین‌المللی آزمود و با عدم پذیرش جهانی روبه‌رو شد. اکثریت قریب به اتفاق حقوقدانان آن حمله را مغایر با منشور و حقوق بین‌الملل در نظر گرفتند. در مورد دکترین دفاع مشروع پیش‌دستانه نیز باید تصریح کرد که این دکترین نیز مغایر منشور سازمان ملل متحد در نظر گرفته می‌شود. با این حال، این دکترین در مقایسه با دکترین دفاع مشروع پیشگیرانه از اقبال بیشتری برخوردار است اما در این قضیه آمریکا از مستندات کافی برای استناد به آن نیز برخوردار نیست. برای استناد به این دکترین، باید وجود حمله مسلحانه «فوری و قریب‌الوقوعی» از سوی دولت مدعی دفاع اعلام و اثبات شود. چنین ادعایی در مورد سفر سردار سلیمانی نه تنها از سوی مقامات امریکایی مطرح نشده است بلکه اظهارات مقامات امریکایی در مغایرت با چنین ادعایی است. همانطور که اشاره شد، رییس‌جمهور آمریکا به صراحت اعلام داشته است که «او [سردار سلیمانی] باید سال‌ها پیش از این حذف می‌شد». جان بولتون مشاور اسبق سیاست خارجی آمریکا نیز در توییت ناشیانه‌ای اعلام داشته است که آمریکا قتل سردار سلیمانی را «از مدت‌ها پیش تدارک می‌دیده است». با این اظهارات دولت آمریکا به سختی می‌تواند حمله به سردار سلیمانی را به عنوان دفاع پیش‌دستانه در برابر حمله فوری و قریب‌الوقوع از سوی او توجیه نماید. نتیجه آنکه حمله سوم ژانویه آمریکا به فرمانده ارشد ایران در قالب حقوق توسل به زور و حقوق درگیری‌های مسلحانه قابل توجیه نیست (عبدالهی، ۱۳۹۸: ش ۴۵۵۴).<sup>۱</sup>

بیانیه سوم ژانویه آمریکا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را با توجه به بیانیه آوریل سال ۲۰۱۹ آن کشور، سازمانی تروریستی یاد کرده است. هرچند این اقدام دولت ایالات متحده نیز بی‌سابقه و خلاف اصول حقوق بین‌الملل از جمله اصل حاکمیت برابر دولت‌ها در نظر گرفته می‌شود اما می‌تواند این سوال را مطرح کند که آیا ترور سردار سلیمانی با استناد به دکترین «جنگ علیه تروریسم» قابل توجیه است یا خیر؟

<sup>1</sup> - <https://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/140344>.

لازم به یادآوری است که دکترین مجعول و خلاف حقوق بین‌الملل «جنگ علیه تروریسم» بعد از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ علیه برج‌های دوقلوی امریکا از سوی دولت بوش اعلام شد. در آن زمان کنگره امریکا با «تصویب قانون اجازه توسل به زور نظامی علیه تروریست‌ها (AUMF)» به «رییس‌جمهور امریکا مجوز توسل به زور ضروری و متناسب علیه ملت‌ها، سازمان‌ها یا اشخاصی که او احراز می‌کند حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر را برنامه‌ریزی، تجویز، ارتکاب یا مساعدت کرده‌اند» اعطا کرد. این قانون همچنین به رییس‌جمهور امریکا اجازه می‌دهد که برای پیشگیری از اعمال تروریسم بین‌المللی علیه ایالات متحده در آینده توسط اشخاص مزبور متوسل به زور شود. ناگفته پیداست که برای توجیه توسل به زور علیه فرمانده ایرانی، کاخ سفید باید ارتباط قاسم سلیمانی را با شبکه القاعده به عنوان مرتکب حملات ۱۱ سپتامبر، اثبات کند؛ ادعایی که در سال گذشته میلادی در سنای امریکا مورد اقبال قرار نگرفت. در بیانیه سوم ژانویه و همچنین اظهارات مقامات امریکایی نیز چنین گرایشی به چشم نمی‌خورد. بنابراین استناد به وجود نام سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی امریکا نیز به دولت امریکا برای توجیه حمله به فرماندهان عراقی و ایرانی کمک حقوقی نمی‌کند. بلکه برعکس مساله غیرقانونی بودن اقدام دولت بر اساس حقوق داخلی امریکا را به میان می‌کشد که مباحث زیادی را در آن کشور برانگیخته است زیرا بسیاری در امریکا بر این باورند که ترامپ برای چنین عملیاتی که ممکن است امریکا را به جنگی بین‌المللی بکشاند باید از کنگره مجوز می‌گرفت. بنابراین، حتی با استناد به دکترین امریکایی و خلاف حقوق بین‌الملل «جنگ علیه تروریسم» نیز حمله امریکا به سردار سلیمانی قابل توجیه حقوقی نیست (عبدالهی، ۱۳۹۸: ش ۴۵۵۴).

آخرین دفاع محتمل حقوقی که بعید است امریکا به آن استناد کند، توسل به نظریه غیرقانونی «قتل هدفمند» است که سال‌ها از سوی رژیم اسراییل برای توجیه ترور رهبران و فرماندهان مقاومت و جهاد اسلامی مورد استناد قرار گرفته است. غیرقانونی بودن این نظریه به قدری مبرهن است که بارها از سوی دولت‌ها، گزارشگران حقوق بشر و حقوقدانان بین‌المللی مورد نکوهش قرار گرفته است.

<sup>1</sup> - <https://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/140344>.

از نظر توصیف حمله سوم ژانویه علیه ایران، بی‌تردید باید حمله را یک «توسل به زور» مغایر منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل عرفی دانست. بند ۲ ماده ۴ منشور به صراحت هرگونه توسل به زور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی، استقلال سیاسی و مغایر با اهداف منشور را ممنوع کرده است. این توسل به زور نه تنها علیه حاکمیت عراق است بلکه حاکمیت ایران را نیز هدف قرار داده است. نیروهای مسلح یک کشور و به ویژه سران آن، صرف‌نظر از اینکه در کجا باشند، مهم‌ترین نماد حاکمیت یک کشور به شمار رفته و حمله به آنها نقض حاکمیت دولت به شمار می‌رود. با این حال، سؤال مهم آن است که این «توسل به زور» به آستانه «حمله مسلحانه» موضوع ماده ۵۱ منشور رسیده است یا خیر؟ پاسخ مثبت به این سؤال، ایران را محق به استناد به دفاع مشروع علیه امریکا خواهد کرد (عبدالهی، ۱۳۹۸: ش ۴۵۵۴).<sup>۱</sup>

در حقوق بین‌الملل رویه‌ای که در آن یک دولت، نیروهای مسلح دولت دیگر را تروریستی نامیده و بعدها اقدام به ترور رییس نیروهای مسلح همان کشور بکند در دسترس نیست. همچنین تمامی ترورهای گذشته ترورهای ضددولتی بوده است که در آن افراد اقدام به حذف مقامات سیاسی و نظامی کرده‌اند مانند ترور لویی بارترو وزیر خارجه فرانسه در دهه ۳۰ میلادی. بنابراین سابقه‌ای در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که در آن دولتی اقدام به ترور عالی‌ترین مقامات سیاسی و نظامی دولت مستقل دیگر کرده باشد! در غیاب چنین رویه‌ای، تفسیر ماده ۵۱ منشور نشان‌دهنده آستانه بالای مفهوم «حمله مسلحانه» است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوا تاکید می‌کند که گستردگی و آثار یک حمله باید به قدری وسیع باشد که عرف آن را حمله مسلحانه بدانند. درست به همین دلیل دیوان شلیک‌های محدود مرزی که بعضاً به تلفاتی نیز منجر می‌شود را در زمره حمله مسلحانه در نظر نمی‌گیرد. در واقع، سیاست حقوقی و قضایی دیوان دایر بر تفسیر مضیق این مفهوم به منظور اجتناب از گسترش جنگ است. به این ترتیب به نظر می‌رسد که به سختی بتوان توسل به زور سوم ژانویه علیه فرماندهان سپاه ایران را یک «حمله مسلحانه» در مفهوم ماده ۵۱ منشور ملل متحد تفسیر کرد به ویژه آنکه این حمله در

<sup>1</sup> - <https://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/140344>.

خاک دولت مستقل دیگری انجام شده است. البته این تفسیر با رویه امریکا در تفسیر موسع ماده ۵۱ در تعارض است. نتیجه آنکه بسیاری از حقوقدانان امریکایی حزم‌اندیشی سایر حقوقدانان بین‌المللی را نداشته و در شرایطی مشابه، حمله به مقامات بلندپایه نظامی خود نظیر رییس ستاد مشترک یا وزیر دفاع امریکا را حمله‌ای مسلحانه در نظر گرفته و حق دفاع مشروع را برای خود محفوظ می‌دانستند. همانطور که حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را حمله مسلحانه در نظر گرفته و کنگره مجوز توسل به زور علیه افغانستان را صادر کرد. البته حملات مزبور به هیچ‌وجه چه از نظر عامل و چه از نظر گستردگی با حمله سوم ژانویه قابل قیاس نیست به ویژه آنکه در آن هنگام شورای امنیت به نحو ضمنی حق دفاع مشروع را برای دولت امریکا شناسایی کرد. با عدم شناسایی حق دفاع مشروع برای دولت ایران، هرگونه واکنش نظامی ایران به این حمله خود نوعی نقض قاعده منع توسل به زور خواهد بود که در این صورت هر دو دولت ناقض این قاعده شناخته خواهند شد. نتیجه اینکه تصمیم با نظام ایران است که یا به «اقدامات متقابل غیرقهرآمیز (countermeasures)» بسنده کند و یا با رعایت تناسب و پذیرش آثار بین‌المللی آن، رفتار دولت امریکا را با توسل به زوری پایین‌تر از آستانه حمله مسلحانه تلافی (Reprisal) کند. البته لازم به تاکید است که اقدامات تلافی‌جویانه در حقوق بین‌الملل با پذیرش جهانی قاعده منع توسل به زور منع شده‌اند (عبدالهی، ۱۳۹۸: ش ۴۵۵۴).

پس از خاتمه اشغال رسمی عراق، حضور نیروهای امریکا در عراق با انعقاد «موافقتنامه میان ایالات متحده امریکا و جمهوری عراق راجع به خروج نیروهای امریکایی از عراق و سازماندهی فعالیت‌های این نیروها در دوران حضور موقت آنها در عراق» موسوم به موافقتنامه سوفاف در سال ۲۰۰۹ تداوم یافته است. به موجب این موافقتنامه سه ساله نیروهای امریکایی باید تا پایان دسامبر ۲۰۰۱ خاک عراق را ترک می‌کردند (بند ۱ ماده ۲۴) مگر آنکه با رضایت دولت عراق این حضور تمدید شود. به موجب بند ۴ ماده ۲۴ امریکا حق حاکمیتی عراق برای درخواست از امریکا جهت خروج از خاک عراق را در هر زمانی به رسمیت شناخته است. نتیجه آنکه حضور کنونی امریکا بر اساس «رضایت» دولت عراق به چنین حضوری

<sup>1</sup> - <https://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/140344>.

توجیه می‌شود. حال سوال این است که آیا این رضایت شامل توسل به زور علیه فرماندهان عراقی یا فرماندهان نیروهای مسلح دولت‌های دوست عراق که به دعوت آن به قلمرو آن وارد می‌شوند، می‌شود؟ موافقتنامه ۲۰۰۹ در این زمینه مقررات متعددی دارد. از یک طرف، «طرفین حق بر توسل به دفاع مشروع از خود را در عراق آنگونه که در حقوق بین‌الملل قابل اعمال تعریف شده» [برای خود] محفوظ نگاه داشته‌اند (بند ۵ ماده ۴) و از طرف دیگر به موجب بند ۱ ماده ۲۷ دولت ایالات متحده در موارد تهدیدات داخلی یا خارجی علیه عراق تنها با «درخواست عراق» حق توسل به زور را خواهد داشت. به‌علاوه آمریکا صراحتاً از استفاده از قلمرو دولت عراق برای حمله به کشورهای ثالث منع شده است: «سرزمین، دریا، و هوای عراق نباید محلی برای حمله یا عبور برای حمله علیه سایر دولت‌ها مورد استفاده قرار بگیرد». تحلیل این مقررات نشان می‌دهد که اولاً آمریکا در غیاب وجود حمله مسلحانه‌ای از سوی ایران یا نیروهای مردمی عراق نمی‌توانسته به حق دفاع مشروع در قالب موافقتنامه استناد کند و ثانیاً این موافقتنامه به هیچ‌وجه اجازه توسل به زور علیه نیروهای مسلح عراق یا دوستان عراق را نمی‌دهد (عبدالهی، ۱۳۹۸: ش ۴۵۵۴).<sup>۱</sup>

حقوق بین‌الملل عام ضمانت اجرای سختی را برای تخلف از چنین موافقتنامه‌هایی در نظر گرفته است. به موجب بند (e ماده ۳) قطعنامه تعریف تجاوز مجمع عمومی (۳۳۱۴ دسامبر ۱۹۷۴) اگر دولتی که با توافق دولت پذیرنده در سرزمین آن دولت حاضر است، در مغایرت با شرایط مقرر در موافقتنامه متوسل به نیروی مسلح شود این عمل صرفنظر از اعلام یا عدم اعلام جنگ، از مصادیق تجاوز خواهد بود. به نظر می‌رسد که با فقدان رضایت مقدم دولت عراق به عملیات سوم ژانویه و محکومیت موخر آن از سوی مقامات مسوول دولت عراق، بتوان حمله مزبور را از مصادیق «تجاوز» در حقوق بین‌الملل خواند که برای دولت عراق حق دفاع مشروع را به دنبال دارد. البته دولت عراق که روابط استراتژیکی با دولت آمریکا دارد بعید است که به این حق استناد جوید اما گزینه محتمل، خاتمه دادن به حضور نیروهای آمریکایی در عراق است.

<sup>1</sup> - <https://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/140344>.

## – بررسی دفاع موشکی ایران از منظر حقوق بین‌الملل

در بامداد ۱۸ دی ماه ۱۳۹۸، سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به ترور سپهبد شهید قاسم سلیمانی توسط نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا، با شلیک ۱۳ موشک، دو پایگاه عین الاسد در استان الانبار در غرب عراق و پایگاه حریر در اربیل اقلیم کردستان عراق را هدف حمله خود قرار داد، در زمان حمله ۱۵۰۰ سرباز آمریکایی در پایگاه عین الاسد حضور داشتند که به دستور فرماندهان خود به پناهگاه‌های پایگاه رفته بودند. در ابتدا، وزارت دفاع آمریکا در واکنش به این حمله اعلام کرد که این حمله هیچ خسارت جانی نداشته و تنها خسارت‌هایی محدود در درون پایگاه برجای گذاشته است اما بعد از مدتی اعلام کرد که ۳۴ نفر از سربازان ارتش دچار آسیب‌های مغزی شده‌اند. دولت ایران، بنا به اعلام مقامات عراقی، چند ساعت قبل از دفاع موشکی خود، مراتب را اطلاع داده بودند تا اول اینکه خسارت‌های جانی کمتری وارد شود و دوم اینکه روابط میان تهران و بغداد تیره نشود (<https://basirat.ir/fa/news/320378/%C2%A0>).

در بررسی حقوقی اقدام ایران علیه ایالات متحده آمریکا در پاسخ به ترور ناجوانمردانه سپهبد شهید قاسم سلیمانی مسئله دفاع مشروع مطرح است که در حقوق بین‌الملل تحت ماده ۵۱ منشور ملل متحد قابل بررسی می‌باشد. هر چند که برخی‌ها اعتقاد دارند ماده ۵۱ منشور به حمله مسلحانه در سطح وسیع آن اطلاق می‌شود همانطور که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه تأکید داشته که گستردگی و آثار یک حمله مسلحانه باید به قدری وسعت داشته باشد که بتوان آن را حمله‌ای مسلحانه قلمداد کرد. (علیزاده، ۱۳۹۸: ۱).<sup>۱</sup> اما همین دیوان در سال ۲۰۰۳ در قضیه سکوه‌های نفتی اذعان کرد، برخورد تنها یک کشتی نظامی به با مین ممکن است برای اعمال حق ذاتی دفاع از خود کافی باشد (الهویی نظری، ۱۳۹۴: ۱۹۸).

لذا اولین تأملی که در خصوص ماده ۵۱ منشور ملل متحد باید داشت این است که چرا از این ماده به عنوان «دفاع مشروع» یاد می‌شود؛ آیا ماده ۵۱ چنین تعبیری از دفاع داشته یا به صورت رویه معمول

<sup>1</sup> - <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1988674>.

چنین اصطلاحی رایج شده است. ماده ۵۱ منشور مقرر کرده «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و در هر موقعی که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد تأثیری نخواهد داشت».

موضوع مهمی که در ماده ۵۱ دیده می‌شود؛ این است که دفاع را «حق ذاتی» دولتی می‌داند که علیه او اقدام مسلحانه واقع شده است. حال سوالات زیر مطرح است که :

- ۱- اگر دولتی عضو سازمان ملل متحد نباشد آیا حق دفاع از خود در برابر تهاجمات را ندارد؟
- ۲- اگر حمله مسلحانه واقع نشده باشد آیا هر اقدام بازدارنده یا پیش‌گیرانه یا پیش‌دستانه یا رهگیرانه می‌تواند «دفاع ذاتی» محسوب شود؟

## – نتیجه‌گیری

آنچه ماحصل پژوهش فوق می‌باشد، جنایت ترور ژنرال سلیمانی توسط یک دولت متخاصم در زمان صلح، آنهم در خارج از قلمرو سرزمینی، فارغ از مسئله مسؤولیت بین‌المللی دولت؛ سست کردن امنیت بین‌المللی و بی‌اعتنایی به قواعد حقوق بشری و بشر دوستانه است. امروزه تروریسم در همه جای دنیا محکوم بوده و شورای امنیت نیز به شدت این مسئله را محکوم کرده است. اما یکی از اعضای دائم شورای امنیت با قبول مسؤولیت ترور، اقدام به چنین جنایت وحشتناکی می‌کند.

درواقع باید گفت؛ فاجعه ترور ژنرال سلیمانی، موجب ایجاد یک وضعیت بین‌المللی در منطقه غرب آسیا گردید که اگر جمهوری اسلامی ایران به یک دفاع موشکی بازدارنده اکتفا نمی‌کرد می‌توانست یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی را به همراه داشته باشد. در واقع، با پذیرش مسؤولیت ترور توسط ایالات متحده آمریکا، مسئله مسؤولیت بین‌المللی مطرح نیست بلکه برهم زنی نظم کنونی جهانی مطرح است که یکی از اعضای دائم شورای امنیت مرتکب چنین اعمال متخلفانه‌ای گردیده است. از طرفی ادعای آمریکا مبنی بر دفاع مشروع از خود و جاهت عینی و حقوقی ندارد چرا که وفق ماده ۵۱ منشور، هیچ فعل مسلحانه‌ای در سرزمین آمریکا رخ نداده و شهید سلیمانی نیز در آمریکا حضور نداشته است. مع الوصف با بررسی جامع ابعاد فاجعه تروریستی سوم ژانویه ۲۰۲۰ علاوه بر مسؤولیت بین‌المللی ایالات متحده آمریکا و دولت عراق، مسؤولیت کیفری حادثه ترور نیز همان گونه که در پیشنهاد پژوهش مطرح گردیده باید مد نظر قرار گیرد تا جهان شاهد چنین نقض تعهد آشکاری توسط اعضای ملل متحد نشود.

– منابع و مأخذ

– کتاب‌ها

۱. ابراهیم گل، علیرضا. (۱۳۹۷) مسؤولیت بین‌المللی دولت (متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل) چاپ ۱۰، تهران: شهردانش.
۲. حلمی، نصرت‌الله. (۱۳۹۵) تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، مسؤولیت بین‌المللی دولت و حمایت سیاسی، چاپ سوم، تهران: میزان.
۳. دورکیم، امیل. (۱۳۹۲) درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، چاپ پنجم، تهران: نشر مرکز چاپ.
۴. ذاکریان، امیر مهدی. (۱۳۹۴) سازمان ملل متحد و امنیت جهانی، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
۵. ضیائی‌بیگدلی، محمود رضا. (۱۳۸۴) حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ ۲۲، تهران: انتشارات گنج دانش.
۶. عزیززی، ستار. (۱۳۹۰) تروریسم و نهضت‌های آزادی بخش: مرزشناسی حقوقی (همایش بین‌المللی ائتلاف جهانی مقابله با تروریسم برای صلح عادلانه)، مجمع جهانی صلح اسلامی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح.
۷. قهرمانی‌منامن، مرتضی. (۱۳۹۶) قربانیان تروریسم در حقوق بین‌الملل، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

– پژوهش‌ها

۱. احمدنژاد، جمال. (۱۳۹۱) تفکیک بین جنبش آزادی بخش و تروریسم در نظام حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی: دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. دشتبان، علی اصغر. (۱۳۹۶) رقابت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و تأثیر آن بر روند دولت - ملت‌سازی در عراق (۲۰۰۳-۲۰۱۶)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی.
۳. زندی، بلال. (۱۳۹۹) نقش ایدئولوژی در دولت - ملت‌سازی عراق پس از ۲۰۰۳، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی: واحد تهران جنوب.
۴. صغیرا، محسن. (۱۳۹۴) مسؤولیت جبران خسارات و صدمات ناشی از عملیات تروریستی در حقوق بین‌الملل و حقوق کیفری ایران، رساله دکتری، رشته حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه پیام نور: دانشکده علوم انسانی مرکز تحصیلات تکمیلی.
۵. طهماسبی‌فر، زهرا. (۱۳۹۰) بررسی روند دولت - ملت‌سازی در عراق بعد از فروپاشی حکومت صدام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی: واحد تهران مرکزی.

۶. قلیزاده مقدم، نادر. (۱۳۹۲) توسعه صلاحیت موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق: دانشگاه قم.
  ۷. عبدلی‌سفیددشتی، زهرا. (۱۳۹۶) مسؤلیت دولتها در قبال حمایت از تروریسم با نگاهی به وضعیت سوریه و عراق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق: دانشگاه قم.
  ۸. غفاری تبریزی، ندا. (۱۳۹۶)، ارتباط میان حمایت از تروریسم و مشروعیت دولت در حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی: دانشگاه علامه طباطبایی.
  ۹. گنج‌بخش، محمود. (۱۳۹۵)، قانون مصونیتی دولت کانادا و تاثیر آن بر مفهوم مصونیت قضایی اموال دولتی با تاکید بر حمایت از قربانیان تروریسم بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی: دانشگاه پیام نور.
  ۱۰. ملکی، مجید. (۱۳۹۵)، تعهدات حقوقی بین‌المللی دولتها در پیش‌گیری از تروریسم بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق: دانشگاه قم.
  ۱۱. موسوی، زینب سادات. (۱۳۹۰)، حمایت حقوقی از بزه دیدگان جرایم تروریستی حقوق بین‌المللی کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق گرایش جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق: دانشگاه اصفهان.
  ۱۲. وجدانی اسگویی، هانیه. (۱۳۹۹) حمایت از قربانیان تروریسم از منظر مسؤلیت بین‌المللی دولتها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی: واحد تهران جنوب.
- مقاله‌ها**
۱. آل کجباف، حسین و گنج‌بخش، محمود و موسی زاده، رضا. (۱۳۹۵)، حمایت از زنان قربانیان ترور در حقوق بین‌الملل در پرتو مفهوم نظم اجتماعی و بین‌المللی، مطالعات زن و خانواده، دوره ۴، شماره یک (۱۳۸) – (۱۱۳).
  ۲. آذری‌آغاجری، بهزاد. (۱۳۸۸) مسؤلیت بین‌المللی دولتها در قبال اعمال خشونت آمیز اشخاص حقیقی در چارچوب تروریسم، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۳، شماره ۴ (۱۱۹۸ – ۱۱۶۵).
  ۳. الهویی نظری، حمید. (۱۳۹۴) ارتباط‌های سیستمیک ماده ۵۱ منشور ملل متحد، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره ۲ (۲۱۳ – ۱۹۵).
  ۴. اسدی، علی‌اکبر. (۱۳۸۸) رویکرد آمریکا در عراق و شرایط ایران، پژوهشگاه تحقیقات استراتژیک، شماره ۱۵ (۸۹ – ۱۰۸).
  ۵. احدی، افسانه. (۱۳۸۷) دیپلماسی عمومی آمریکا و قدرت نرم ایران در صحنه عراق، پژوهشگاه تحقیقات استراتژیک، شماره ۱۵ (۱۲۶ – ۱۰۹).

۶. افتخاری، اصغر و شبستانی، علی. (۱۳۹۰) راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم، فصلنامه آفاق امنیت، سال چهارم، شماره ۱۲ (۳۵-۵).
۷. ابراهیمی بسابی، نبی‌اله. (۱۳۹۰) چشم انداز روابط کشورهای عرب با عراق جدید، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۷ (۱۵۰-۱۲۳).
۸. امیر ارجمند، اردشیر. (۱۳۸۵) گذار از عصر همکاری بین‌المللی به عصر همبستگی در فرآیند جهانی شدن و تحول مفهوم دولت، خبرنامه انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، شماره ۲.
۹. باقری ابیانه، علیرضا و انصاریان مجتبی. (۱۳۹۳) معمای مشروعیت استفاده از سلاح‌های حاوی اورانیوم ضعیف شده در حقوق بین‌الملل، فصلنامه علمی پژوهشی «امنیت پژوهش» سال سیزدهم، شماره ۴۵ (۱۴۷-۱۲۵).
۱۰. بزرگمهری، مجید. (۱۳۹۰)، مبارزه با تروریسم در سازمان ملل متحد؛ تحلیلی از تعریف تروریسم و راه‌های مقابله با آن در کنوانسیون‌های مصوب مجمع عمومی، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۸ (۲۰۴-۱۸۱).
۱۱. توسلی نایینی، منوچهر و آقداوودی جلقایی، مسیح. (۱۳۹۳) تعامل میان مسؤلیت حمایت و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال دهم شماره ۴۰ (۲۹۳-۲۶۹).
۱۲. ثقفی عامری، ناصر. (۱۳۸۷) همکاری ایران و آمریکا برای ایجاد ثبات در عراق، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، شماره ۱۵.
۱۳. جلالی، محمود. (۱۳۸۴) تروریسم از دیدگاه حقوق بین‌الملل با تأکید بر حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فصلنامه پژوهش نامه مفید، شماره ۵۲ (۸۰-۴۹).
۱۴. جلالی، محمود و زینب سادات، موسوی. (۱۳۹۵) جهانی شدن تروریسم و راه‌کارهای حمایت مؤثر از بزه دیده‌گان آن، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره اول (۷۳-۹۹).
۱۵. جوانمرد، مجید و نیک‌نفس، مهدی و گماری، مسعود. (۱۳۸۲) آشنایی با دیوان بین‌المللی کیفری، گزارش دفتر بررسی‌های حقوقی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۶. حدادی، مهدی. (۱۳۹۳) تعهد به جبران خسارت دولت در برابر فرد در حقوق مسؤلیت بین‌المللی دولت، فصلنامه حقوق خصوصی، دوره ۱۱، شماره ۲ (۳۸۳-۳۵۹).
۱۷. حق‌شناس، محمدرضا و همکاران. (۱۳۹۳) موانع و عملکرد بازیگران مختلف در قبال بحران سوریه، ماهنامه راهبرد امنیت ملی، شماره ۱۸.
۱۸. راعی، مسعود. (۱۳۸۸) کنترل کلی یا کنترل مؤثر عاملی برای تحقق مسؤلیت بین‌المللی دولت‌ها، فصلنامه حقوق، مجله حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳۳.

۱۹. رنجبریان، امیرحسین و فرحزاد، مهسا. (۱۳۹۴) تحولات عناصر تشکیل دولت: از مؤثر بودن به مشروعیت، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۴، شماره ۲ (۲۷۲-۲۵۵).
۲۰. رستمی، فرزاد و سفیدی، سیامک. (۱۳۹۵) بررسی علل ظهور و استمرار معمای امنیت در عراق پس از صدام، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره اول (۸۳-۱۱۱).
۲۱. رضایی، صالح و حیدرقلی‌زاده، جعفر و اکبری، مرتضی. (۱۳۹۱) بررسی مسؤلیت بین‌المللی دولت‌ها در عدم همکاری با مراجع بین‌المللی، همایش ملی حقوق بین‌الملل در آئینه علوم روز، دوره اول (۱۴-۱).
۲۲. رستمی، ولی و بهادری جهرمی، علی. (۱۳۸۸) مسؤلیت مدنی دولت، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۲۹ (۱۰۵-۶۹).
۲۳. رهامی، محسن و همکاران. (۱۳۹۵) مسؤلیت کیفری بین‌المللی ناشی از حمایت از تروریسم با تأکید بر مسؤلیت مقامات عالی رتبه سیاسی، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۳، شماره ۲ (۲۴۲-۲۱۹).
۲۴. زرنشان، شهرام. (۱۳۸۶) شورای امنیت و تعهدات دولت‌ها برای مقابله با تروریسم، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی امور مجلس و ریاست جمهوری، شماره ۳۶ (۹۴-۵۷).
۲۵. زمانی، قاسم و میرزاده، مناسادات. (۱۳۹۳) انتسابات اعمال متخلفانه اشخاص حقوقی به دولت بر اساس معیار کنترل در روبه دیوان داوری دعاوی ایران - آمریکا، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۶، شماره ۴۳.
۲۶. سواری، حسن و حسینی بلوچی، مهدی. (۱۳۹۰) نظریه مسؤلیت، حمایت از حرف تا عمل، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۳۲ (۲۰۴-۱۷۳).
۲۷. شریفی طرازکوهی، حسین و آذری، مارال. (۱۳۹۰) مسؤلیت دولت‌ها در قبال اعمال ناقض حقوق بین‌الملل بشر دوستانه شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، فصلنامه آفاق امنیت، سال چهارم، شماره ۱۲.
۲۸. صادقی، دیدخت. (۱۳۹۲) مسؤلیت بین‌المللی حمایت و حاکمیت دولت‌ها، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ششم، شماره ۲۲ (۱۵۵-۱۳۳).
۲۹. طاهری، مسلم و تقی‌زاده داوری، محمود. (۱۳۹۳) رویکرد جریان‌های شیعی عراق به تحولات نوین کشور، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال دوازدهم، شماره ۴۸ (۱۴۸-۱۲۷).
۳۰. طیبی‌فرد، امیرحسین. (۱۳۸۴) مبارزه با تامین مالی تروریسم در اسناد بین‌المللی، مجله حقوقی، شماره ۳۲ (۳۰۵-۲۵۹).
۳۱. فقیه‌حبیبی، علی. (۱۳۹۵) مسؤلیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از خسارت زیست محیطی از جنگ، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، سال ششم، شماره ۲۶ (۱۳۴-۹۷).

۳۲. عزیزی، ستار و نظری، خاطره. (۱۳۹۳) حدود دفاع مشروع دولت قربانیان علیه کنشگران غیردولتی، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره سوم، شماره چهارم (۲۴۲ - ۲۱۵).
۳۳. عزتی، عزت‌الله و نانوا، سهیلا. (۱۳۹۰) سیاست خارجی ایران و چالش‌های فرا روی ایران با تغییر ساختار سیاسی در عراق، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، دانشنامه، شماره ۸۰ (۱۵۳-۱۳۵).
۳۴. غریب‌زندی، داود. (۱۳۸۹) فرآیند دولت - ملت سازی، شکل‌گیری هویت ملی و بازسازی در عراق: تجارب تاریخی و دورنمای آینده، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول (۳۵-۵).
۳۵. کریمی‌نیا، محمد مهدی. (۱۳۸۹) مسؤولیت دولت‌ها در قبال خسارت‌های معنوی، فصلنامه معرفت، شماره ۳۸.
۳۶. میرعباسی، سید باقر و محمدی، عقیل. (۱۳۹۶) چالش‌های اجرایی نظریه مسؤولیت حمایت با نگاهی به وضعیت لیبی و سوریه، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، شماره ۵۷ (۳۸ - ۹).
۳۷. مصفا، نسرین و طاهرخانی، ستاره. (۱۳۹۰) مجمع عمومی سازمان ملل متحد و مقابله با تروریسم، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۳ (۲۸۵-۳۰۳).
۳۸. مستقیمی، بهرام و طارم سری، مسعود. (۱۳۷۷) مسؤولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۹. نیکنام، بهناز. (۱۳۹۵) دکترین مسؤولیت حمایت: ارتقاء حقوق بشر یا تئوری جنگ عادلانه، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی ام، شماره ۳ (۳۰ - ۷).
۴۰. نامیان، پیمان. (۱۳۹۰) صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۱ (۸۴-۵۹).
۴۱. وکیل، امیرساعد. (۱۳۹۰) وضعیت دارفور و غزه؛ میدان آزمون نظریه مسؤولیت حمایت، فصلنامه پژوهش حقوق، سال سیزدهم، شماره ۳۲ (۴۴۴ - ۴۰۳).
۴۲. واعظی، محمود. (۱۳۸۷) رویکرد گروه‌های داخلی به ایران و آمریکا.
- <https://www.isrjournals.com/fa/middle-east-farsi/article/635-archive-special-articles-farsi-55.html>.
۴۳. هنجنی، سید علی و فرهادنیا، سعید. (۱۳۹۶) بررسی مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال گروه‌های تروریستی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۴ (۹۰ - ۷۱).
۴۴. یزدانیان، علیرضا. (۱۳۹۵) مسؤولیت مدنی ناشی از اعمال تروریستی در جبران خسارت فراموش شدگان ناشی از تروریسم در ایران و فرانسه، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۶، شماره ۳ (۴۹۴ - ۴۷۵).

1. <https://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/140344>.
2. <http://isijournal.ir>.
3. <http://css.ir/fa/content/115001>.
4. <https://basirat.ir/fa/news/320378/%C2%A0>.
5. <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1988674>.
6. <https://www.isrjournals.com/fa/middle-east-farsi/article/635-archive-special-articles-farsi-55.html>.

منابع انگلیسی:

### Books

1. Duffy, Helen, (2005) "The war on Terror and the Framework of International law", New York, Cambridge university press.
  2. Dobbins, James, et.al. (2003) American's Role in Nation-Building: from Germany to Iraq, Rand.
  3. Hessburegge, J A, (2004) The Historical Development of the Doctrines of Attribution and Due Diligence in International Law, 36 NYU J Intl, pp (265-79).
  4. Marr, phebe. (1985). The Modern History of Iraq. Boulder, Co: Westview Press.
  5. Ruys, Tom, (2010) "Armed Ack and Ar cle, 51 of the UN Charter: Evolu ons in Customary law and Practice", Cambridge university Press.
  6. See cohen. Aviv. Prosecuting Terrorists at the international criminal court: reevaluating an unusd legal tool to combat terrorism. Mich. St. u. coll. L. int,ll, rev. 20, pp: 219 – 257.
  7. Stansfield, Gareth (2005) "The Transition to Democracy in Iraq: Historical Legacies, Resurgent Identities and Reactionary Tendencies", in Alex Danchev and John Macmillan (eds.) The Iraq War and Democratic Politics, London and New York: Routledge.
  8. vark, Rene, (2006) "State Responsibility For Private Armed Groups in the Context of Terrorism", P: 185.
  9. Rehman, Javid. (2003) "International Human Rights Law: A Practical Approach" Longman pearson Education: England.
- a. Researches**
10. Cohen, david. (2012) kidnapping for ransom: the growing terrorist financing challenge, chatham house.

**a. Articles**

11. Cassese, Antonio, The International Community's Legal Response To Terrorism, 1989, 38 Intl Comp L Q, p: 597.
12. Davenport, John, (2011) "Just war Theory, Humanitarian Intervention and the Need for a Democratic Federation", Journal of Religious Ethics, September.1.
13. Dodge, Toby (2008) "Iraqi Transitions: from regime change to state collapse", in Sultan .
14. Dawish, Adeed (2008) "The Prospects for Democracy in Iraq: challenging and opportunities", in Sultan Barakat (ed.) Reconstructing Post-Saddam Iraq, London and New York: Routledge.
15. Greenwood, Christof (2003), International Law and the Pre-emptive Use of Force: Afghanistan, Al Qaida and Iraq, 2003, 4 San Diego Intl L7, p24-25.
16. Malzahn, Scott, (2002) "war on enemy: self defence terrorism", Melbourne journal of international law, vol 4.
17. See Tilly, Charles. (2004) Terror, Terrorism, terrorists, sociological theory, vol.22, no. I, Theories of Terrorism: Asymposiu, pp: 5-13.
18. Vark, Rene, ( 2011 ) "Terrorism, State Responsibility and the use of Armed Force" ENDC Proceeding , Volume 14.
19. Rosand, Eric. (2003) "Security Council Resolution 1373", the Counter - Terrorism Committee, and the Fight against Terrorism, the American Journal of International Law, Vol. 97.